

تجربه اشغال دانشگاه پاریس هشت برای پناهندگان

آکادمی و وفاداری به رویاهای تبعیدی

سمیه رستم‌پور

بیش از ۵۰ مهاجر آفریقایی ساختمانی در دانشگاه سن‌تا‌چپ‌گرای پاریس هشت (Vincennes-Saint-Denis) را با کمک فعالان دانشجویی به اشغال خود درآورده‌اند. این مهاجران عمدتاً از کشورهای چون سودان، گینه، لیبی، اتیوپی هستند و ساختمان را از ۳۰ ژانویه در اختیار دارند.



اشغال ساختمانی در دانشگاه پاریس هشت برای پناهندگان در خیابان مانده، با شعار: اوراق
هویت، آزادی و کرامت انسانی

با اینکه اکثریت آنها را مردان بزرگسال تشکیل می‌دهند، اما تعدادی زن و کودک زیر هجده سال نیز در مجموعه مهاجران اسکان داده شده حضور دارند. مهاجران توانسته‌اند بعد از یک مدت طولانی دوش بگیرند

و لباس گرم کافی داشته باشند. همه چیر مرتب و نظم یافته به نظر می‌رسد و بر اصل مشارکت عمومی متکی است. هر شب مجمع عمومی برگزار می‌شود و در آن افراد مختلف در مورد مدیریت و چگونگی ادامه اشغال نظر می‌دهند. از طرف دیگر مدیریت دانشگاه روش خاص خود را دارد؛ آنها رفت و آمد از درب اصلی را کنترل می‌کنند و به همین دلیل بیشتر جابه‌جایی‌های مربوط به ساختمان اشغال شده، از یکی از درب‌های پشتی دانشگاه انجام می‌شود که اکنون کنترل آن در اختیار دانشجویان است. در طول روز میتوان دانشجویان مختلفی را دید که در حال حمل تشک‌های سنگین، کیسه‌های برنج و سایر مواد غذایی و لجستیک از این درب هستند.

از سی ژانویه تا کنون، کلاس‌های درس بخشی از ساختمان مذکور به خوابگاه تغییر کاربری داده، و سایر اتاق‌ها به قطب هماهنگی غذا یا فعالیت تبدیل شده‌اند. بر روی دیوار اتاقی پر رفت و آمد که سالن غذاخوری نیز هست، فهرستی از نیازهای ضروری (بالش، ملافه، یخچال و فریزر، محصولات پاک کننده و بهداشتی، انواع مواد غذایی شامل برنج، شیر و سبزیجات و...) آویخته شده است. بوی برنج، که در یک اجاق گاز بزرگ در حال آماده شدن است، تمام اتاق را گرفته است. کمی آن طرف‌تر ظرف‌های زیادی در یک قفسه به شکل منظم ردیف شده‌اند. اتاق بعدی به هنرهای تجسمی اختصاص یافته و در آن تخته‌های نقاشی به دیوار تکیه داده شده و قوطی‌های رنگی مختلف در کنار هم چیده شده‌اند. در میان راهروها، انواع برچسب و پوستر و دیوارنوشته دیده می‌شود. یک مگافون بر روی میزی در اتاق بغلی در کنار انواع بروشور و دفترچه‌های تهیه شده از دور دیده می‌شود؛ این اتاق به تدارکات و ارتباطات اختصاص یافته است.

از آنجا که دانشگاه پاریس هشت سنتاً دانشگاهی چپ است، این عمل دانشجویان از همان ابتدا به شکل مطلوبی پذیرفته شده است. همچنان که یکی از اعضای فعال این مجموعه عنوان می‌کند، "ما از معلمان خواستیم که کلاس‌هایشان را تعطیل کنند و ساختمان را به ما واگذار کنند. آنها با پشتیبانی از تصمیم ما، چنین کردند. در واقع ما با مقاومت خاصی روبه‌رو نشده‌ایم. بیش از نود درصد دانشجویان و اساتید با ما موافق هستند و اغلب آنها برای ما غذا و تجهیزات آورده‌اند. افرادی زیادی هستند که تنها منتظر چنین فرصتی بودند تا بتوانند مشارکت و همبستگی خود را نشان دهند". بعضی از اساتید حتی با امضای نامه‌ای حمایت خود را به شکل کتبی از این دانشجویان اعلام کرده‌اند. اما این دانشجویان همچنان به انواع حمایت مادی، مالی و

فیزیکی نیاز دارند. امکانات رسانه‌ای آنها محدود است و حتی صفحه فیس بوک آنها مسدود شده است. با این حال تا این لحظه توانسته‌اند تمام خواسته‌های خود را بر دانشگاه تحمیل کنند. در این زمینه موفقیت اخیر دانشجویان شهر گرونوبل در اشغال درازمدت ساختمانی در دانشگاه برای پناهندگان، بسیار الهام بخش بوده است.

این مهاجران تا بیش از این اغلب در خیابانی (پرت له شاپل) در پاریس زندگی می‌کردند و بعداً با کمک دانشجویان به سمت این دانشگاه هدایت شده‌اند. این اقدام که تدارک آن بیش از دو ماه طول کشیده است، در واقع پاسخی بوده از سوی دانشجویان فعال پاریس هشت، به فراخوانی که سایر دانشگاه‌ها در شهرهایی چون لیون، گرونوبل و نانت داده‌اند و در آن از همه دانشگاه‌های کشور خواسته‌اند که درهایشان را به روی مهاجرانی که در خیابان به سر می‌برند، باز کنند. به نقل از یکی از اعضای اصلی این گروه، این اقدام دانشجویان همچنین پاسخی است به طرح اخیر "اصلاح دانشگاهی" که از سوی دولت جدید به منظور گزینشی کردن پذیرش دانشجویان در دستور کار قرار گرفته است. از نظر دانشجویان معترض، همه افراد باید دسترسی آزاد و بدون تبعیض به دانشگاه داشته باشند.

اوراق، حریره، کرامه الانسانیه

بسیاری از پناهندگانی که در ساختمان مذکور جای داده شده‌اند، مسیر دشوار و پرخطری را برای رسیدن به کشور فرانسه طی کرده‌اند و امروز حتی یک سقف ساده یا سرپناهی تنگ هم از آنها دریغ شده است. بسیاری از آنها برای ماه‌ها شب را در خیابان‌های شهر خوابیده‌اند. بسیاری از دوستانشان از شدت سختی شرایط دیوانه شده‌اند. آنها شاهد مرگ رفقایشان در این مسیر طولانی و سخت بوده‌اند.

محمد، جوان بیست و شش ساله سودانی که دو سال برای رسیدن به کشور فرانسه در راه بوده و خطرات بسیاری را از سر گذرانده است، پدر و مادر و سه خواهر و برادرش را در جنگ از دست داده است. او کسی را نه در فرانسه و نه در سودان ندارد. برای بیش از پنج ماه، در یکی از محلات پاریس با سایر پناهندگان تنها با یک پتو شب را به صبح رسانده است. دو نفر دیگر از پناهندگان زن و فرزندانشان را به جا گذاشته‌اند، زیرا چاره دیگری پیش پای خود نمی‌دیده‌اند جز اینکه مخاطرات این سفر طولانی را به جان بخرند و راهی شوند.

برخی از این مهاجران پیشتر به شکل خودجوش مطالبات حداقلیشان را

که بیش از همه متوجه نیازهای اولیه زندگی و حداقلی از کرامت انسانی است به شکل مکتوب تحویل مسئولین کشور فرانسه داده‌اند، اما پاسخی دریافت نکرده‌اند جز اینکه پلیس هرچند وقت یکبار بیاید و به چادرها و وسایلشان حمله کند. خواسته‌های این مهاجران به درستی در شعار "اوراق، حریه، کرامه الانسانیه" در تظاهرات اخیر در دانشگاه پاریس هشت تجلی داشته است. این طردشدگان ابدی با اینکه خطری برای کشورهای مقصد ندارند و تنها رویاهایشان را با خود دارند، اما حضورشان حتی در خیابان هم تحمل نمی‌شود. یکی از دانشجویان به همین دلیل هدف از این اقدام را جلب حساسیت بیشتر مردم نسبت به این موضوع می‌داند که برخی از مهاجران در چه شرایط دراماتیک و دردناکی در فرانسه زندگی می‌کنند.



تغییر کاربری ساختمانی در دانشگاه پاریس هشت به نفع پناهندگان

باید در نظر داشت که مهاجرین اسکان یافته، در این فرایند منفعل نیستند؛ به نقل از یکی از اعضای کمیته پشتیبانی، "مهاجران خود تصمیمات اصلی را می‌گیرند و نقش ما هر روز کمتر می‌شود. آنها همراه با مترجمان مختلف، در مذاکره با ریاست دانشکده حضور فعال داشته‌اند". در تظاهراتی که روز پنج‌شنبه در صحن دانشگاه برگزار شد نیز، مهاجران در میان جمعیت بودند و از پشت تریبون پیام خود را به گوش دانشجویان رساندند. ریاست دانشگاه در روند مذاکره با این

مهاجران و کمیته دانشجویی پشتیبان آنها، پیشنهاد داده است که به مکان دیگری نقل مکان کنند، اما تا کنون این پیشنهاد از سوی طرف مقابل رد شده است. به نقل از یکی از اعضای کمیته پشتیبانی، آنها همچنین در این چند روز، بارها با این تهدید مواجه شده‌اند که پلیس وارد عمل خواهد شد و همه را بیرون خواهد کرد.

بر اساس متن منتشر شده از سوی این پناهندگان، آنها خواهان "پاسخگویی به خواسته‌هایشان در زمینه مسکن و اقامت و همچنین حق برخورداری از آموزش هستند. این پناهندگان همچنین از حقوق خود برای آزادی تردد و سازمان‌یافتگی سیاسی دفاع می‌کنند. آنها خواستار پایان دادن به تمایز بین مهاجران اقتصادی و پناهندگان سیاسی و مقررات دوبرلین‌اند که بر اساس آن، این افراد به کشوری بازگردانده خواهند شد که برای اولین بار از طریق آن وارد محدوده اتحادیه اروپا شده‌اند". اکثر پناهندگان افریقایی بر اساس همین قانون به کشور ایتالیا استرداد می‌شوند در شرایطی که این کشور به هیچ وجه مقصد آنها نبوده است. این قوانین ناعادلانه اتحادیه اروپا در حالی است که این مهاجران اغلب قربانی جنگ‌هایی هستند که کشورهای اروپایی نقش زیادی در آنها ایفا کرده‌اند. آنها از جهنم لیبی تا شرایط دشوار پذیرش در مرزهای شنگن با یک حیات برزخی پرمخاطره مواجه هستند که بسیاری از آنان را مریض یا دچار وضعیت روانی پریشانی کرده است. ده‌ها هزار نفر از آنها در دریای مدیترانه غرق شده‌اند. آنها در خیابان‌های پاریس نیز همواره با اذیت و آزار و تحقیر پلیس مواجه‌اند.

"دانشگاه باید یک مکان سیاسی برای همه باشد. در برابر دانشگاه نخبه گرا و گزینش‌های که از سوی دولت وعده داده شده است، ما از یک دانشگاه آزاد و جمعی دفاع می‌کنیم: مکان‌های اشغال شده، فضایی برای مقاومت سیاسی نیز هست"

دانشجویان تاکید کرده‌اند که اتحادیه اروپا باید برای مرگ هزاران نفر مهاجر عذرخواهی رسمی بکند. آنها همچنین در بیانیه خود آورده‌اند که "اشغال ما بخشی از اعتراض عمومی به سیاست‌های مهاجرتی اروپایی است." این سیاست‌ها به وضوح نژادپرستانه و غیرانسانی است. در ماه‌های آینده، دولت فرانسه به قانونی با عنوان "پناهندگی و مهاجرت" (Asile et Immigration) رأی خواهد داد که تحت پوشش بهبود بخشیدن به بخش کوچکی از افرادی که به دنبال پناهندگی هستند، همچنان اکثریت تبعید را محکوم به اخراج، دستگیری یا زندگی مخفیانه می‌کند. به دلیل چنین سیاست‌هایی است که مهاجران، انجمن‌ها

و افراد امروز بیش از هر زمان دیگری علیه رفتار نامناسب و غیرانسانی روبه فزون با مهاجران بسیج میشوند.

آکادمی و پرسش از کنشگری سیاسی

در تظاهرات روز پنجشنبه در صحن دانشگاه، یکی از پناهندگان در جمع دانشجویان بیش از هرچیز از آنها خواست که "به میراث این دانشگاه و به گشودگی تاریخی آن بر روی به حاشیه رفتگان وفادار باشند". یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که دانشگاه پاریس هشت، تنها دانشگاهی است در فرانسه که افراد بدون مدرک اقامت یا قبولی اداره مهاجرت را به عنوان دانشجو می‌پذیرد و بسیاری از دانشجویان آن، همزمان عضو گروه‌های آلترناتیو سیاسی هستند. در واقع، وفاداری پاریس هشت به میراث‌اش همان پیشبرد توأمان اندیشه و کنش است، فعالیت سیاسی برای عدالت و آزادی در کنار کار روشنفکری و آکادمیک و مهمتر از همه ایستادن در کنار فرودستان و طردشدگان جامعه.

یکی از قدیمی‌ترین استادان دپارتمان فلسفه دانشگاه (استفان دوایه) که تمام فعالیت‌های سیاسی دانشجویان را افتخار و کارنامه پرمایه این دانشگاه میداند، دیروز در جمع دانشجویان و پناهندگان با دفاع از این میراث، حمایت خود از اشغال به حق دانشجویان را اعلام کرد: "دانشگاه ما همواره سه گروه دانشجو را در خود جای داده است: کارگر، فعال سیاسی و مهاجر. و هر یک از اینها در عمل با خلق سیاست، دسته خود را از نو بازتعریف کرده‌اند. این بار هم دانشگاه پاریس هشت با بازکردن درهایش به روی مهاجران بی‌خانمان، در واقع دروازه‌ای رو به رویاهای آنها گشوده است. این دانشجویان همانقدر به حضور این مهاجران در این فضا نیاز دارند که پناهندگان به آنها چرا که در یک نگاه، همه ما در واقع مهاجر هستیم. هریک از چیزی رانده و دور شده‌ایم، یکی از خانواده و عزیزانش، دیگری از شهر یا کشورش و و بیش از همه ما همگی تبعیدی رویاهایمان هستیم، همه ما بسیار از آنچه آرزویش را داشته‌ایم دور شده‌ایم. تمام آنچه که ناممکن جلوه می‌کند، در همین کنار هم ایستادن‌ها خلق و ممکن می‌شود. ما با یافتن یکدیگر در این مکان، رویاهای مشترکمان را که جهانی عادلانه‌تر و آزادتر است را باز می‌یابیم..."

یکی از دانشجویان کمیته پشتیبانی نیز در همان تظاهرات، در میان صحبت‌هایش به خوبی به یکی از تناقض‌های مهم موجود در آکادمی امروز در نسبت با امر سیاسی و محذوفین جامعه اشاره کرد: «همه اساتید و مسئولین دانشگاه از ایده‌ی ما و وجه ارزشی آن در حمایت از مهاجران

پشتیبانی می‌کنند. همه معتقدند که حق با شماست. با این حال، بهتر است ایده‌هایتان را در اینجا، در "خانه ما" متحقق نکنید و جای دیگری برای آن بیابید». انگار کسی نمی‌خواهد خود را به مخاطرات "کنش سیاسی" که مکمل "تفکری انتقادی نسبت به کاستی‌های وضع موجود" است، آلوده کند. این پرسش مبهم در این میان همواره بی‌پاسخ می‌ماند که این "دیگرانی" که باید بار کنش را به تنهایی به دوش بکشند، چه کسانی هستند؟

دانشجویان از خلال این اشغال، کاری نکردند جز اینکه سعی کردند آنچه را که آموخته‌اند به پراتیک بدل کنند. در حالی که آکادمی و مدیریت آن مصرانه از آنها می‌خواهد که به انباشت دانش اکتفا کنند و بگذارند مسائل از حد "آموختن" فراتر نرود. به زعم آنها، پراتیک کار "دیگرانی" است که دانشجویان نیستید. در واقع آکادمی با این موضع‌گیری محافظه‌کارانه در برابر نابرابری‌های اجتماعی، به نوعی در صدد بیان این است که دانشی که شما در قامت دانشجویان جسته‌اید، تنها برای فهم بیشتر است، اما عملی کردن این ایده‌ها و در واقع "تغییر وضع موجود" از آن دیگرانی است که خارج از این جرگه‌اند. تعبیر دیگر آن می‌تواند اصطلاح "آکادمی برای آکادمی" باشد، که به خوبی شکاف میان دو هویت مختلف «دانشورز» (اعم از استاد یا دانشجو) و «سوژه سیاسی» را توضیح می‌دهد.

سکوت سایر آکادمی‌ها در برابر فراخوان دانشجویان پشتیبان مهاجران نیز به شکل تلویحی، موید آن است که این گفتار در آکادمی‌های امروز هژمونیک و فراگیر شده است. از این جهت، دانشجویان فعال در کمیته اشغال ساختمان پاریس هشت در مقام دشمن آکادمی ظاهر می‌شوند در حالی که بیش از اساتید و سایر دانشجویان به دانشگاه و دانشی که در آن می‌آموزند، "وفادارتر" هستند. موضع آنها به روشنی در برابر گفتار غالبی است که ذکر آن رفت؛ آنها در بیانیه خود این رویکرد را چنین به نقد کشیده‌اند: "دانشگاه باید یک مکان سیاسی برای همه باشد. در برابر دانشگاه نخبه‌گرا و گزینشی‌ای که از سوی دولت وعده داده شده است، ما از یک دانشگاه آزاد و جمعی دفاع می‌کنیم: مکان‌های اشغال شده، فضایی برای مقاومت سیاسی نیز هست". در واقع آکادمی با موضع گرفتن در برابر موضوعات سیاسی مهمی چون موضوع مهاجرت در سال‌های اخیر در اروپا، خود را به انواع مبارزات و جنبش‌های موثر موجود گره می‌زنند. باید در نظر داشت که هر مبارزه‌ای در هر نقطه از جهان دروازه‌ای آمیدی است برای مبارزات عدالت‌خواهانه در سایر نقاط. از این جهت این مبارزات در یک فرآیند تاریخی

الهام‌بخش مشترک قرار دارند که خلق یکی بدون تقویت و مشروعیت دیگری، دور و دست‌نایافتنی به نظر می‌رسد.